

کشور هستند؛ بیان علیه هولوکاست محدود می‌شود و بیان علیه مسیح و پیامبر اسلام محدود نمی‌شود. این تابعی از مسائل سیاسی است، ولی اصل معیار و ضابطه زخمی شده است.

به هر حال باید تلاش کرد. هر معیاری که خیلی تفسیربردار و توسعه‌پذیر است باید حذف کنیم و از این معیارها کوتاه بیایم. دیگر چاره‌ای نیست؛ فرض کنید در نهادهای سیاسی شاکله ذهنی بوده است که یکسری نهادهای سیاسی جزو خط قرمزهاست. کم‌کم باید بازتعریف شود و یکسری نهادهای سیاسی یا شخصیت‌های سیاسی از محدوده قرمز فعلی خارج شوند. این‌ها باید در آن فرمول قانونی به طور ایجابی بازتعریف شوند. نه اینکه به صورت ذهنی، ذهنیت‌ها را اصلاح کنیم. نه، این اتفاق نمی‌تواند بیفتد. باید به طور ایجابی در ساختار قانونی بازتعریف شود که مثلاً از فردا مشخص باشد که نقد یکسری نهادهای سیاسی یا اقتصادی، عبور از خط قرمزها نیست. در صورتی که الان این طور نیست.

دومین مسئله آغاز اعتراض است. اعتراض چگونه شروع شود؟ چندین نظام حقوقی اعتراض در دنیا وجود دارد؛ از جمله نظام کسب مجوز پیشینی و نظام اطلاع‌رسانی. عرض من این است که نظام کسب مجوز پیشینی حد اعتراض را محدودتر می‌کند و باید با شیوه و نظام مجوزدهی خداحافظی کنیم. مجوزدهی باید تعطیل شود.

برخی در نظام قانونی ما قائل‌اند به اینکه اعتراض ممنوع نیست و در مقابل، برخی معتقدند در حال حاضر هر اعتراضی به مجوز محتاج است. مهم این است که در عمل رویه نظام سیاسی مجوز را لازم می‌شمارد. در قانون احزاب هم آمده است که تشکل‌ها و احزاب مجوز بگیرند. در عمل، در طول چهار دهه گذشته، ترکیبی از آیین‌نامه‌ها و عمل سیاسی و ساختارها این رویه را به وجود آورده است که فعلاً مجوز لازم است. اگرچه در جزئیات آیین‌نامه‌ای نیست که بگوید اعتراض بدون مجوز جایز نیست یا هر اعتراض بدون مجوز غیرقانونی است. اگر احزاب خواستند تجمعی برگزار کنند این نفی ما عدا نمی‌کند. حکایت همان کسی است که گفت: شیخ الان من دستم را این طوری کنم ایراد دارد؟ گفت: نه. گفت: این دست دیگر را هم این طوری کنم ایراد دارد؟ گفت: نه. گفت: کمرم را تکان بدهم ایراد دارد؟ گفت: نه. گفت: حالا همه را با هم انجام بدهم چطور؟ گفت: تجزیه‌ات ایراد ندارد، اما مرده شور ترکیب را ببرند. حالا با نگاه به اجزا، حق اعتراض جایی ممنوع نشده است، اما در ترکیب، مجوز لازم است؛ لذا جامعه هم فکر می‌کند که به مجوز نیاز دارد. وقتی شما بگویید که به مجوز نیاز نیست و برای برگزاری اعتراض فقط اطلاع‌رسانی کنید دیگر جامعه نمی‌گوید که چرا به من مجوز ندادید. نظام اطلاع‌رسانی را می‌توان یک مقدار تقویت کرد.

حامد کرمی:

اعتراض مثل

تب می‌ماند و

علامت بیماری

است. مریضی که

بیماری دارد، اما

تب نمی‌کند درمان

هم نمی‌شود؛ چون

نمی‌توان متوجه

بیماری‌اش شد.

باید تب را دید و به

سراغ درد اصلی رفت.

چه به لحاظ نظری

و چه عملی باید از

اجتماعات اعتراضی

استقبال شود. یک

حکومت خردمند و

دولت عاقل نه تنها

در لزوم اعتراض

تردید نمی‌کند،

بلکه از آن استقبال

هم می‌کند.